

به گزارش فراز، بوی تند عرق کارگران تازه از کار برگشته آزردهنده است و نگاه برخی از آنها بدتر. مسافری می‌گوید: «مگر فقط افغانی‌ها متلک می‌گویند؟ فرهنگ پایین آدم را وادار به خیلی کارها می‌کند.»

سوکند، دختر جوان ۲۷ ساله می‌پرد وسط بحث و تند تند می‌گوید: «بله! ممکنه مردای ایرانی هم متلک بگویند ولی واقعاً تعداد مهاجران افغانی در ایران زیادی شده و در این دو سال بسیار زیادتر. متلک شنیدن حس خیلی بدی دارد اما وقتی از طرف مهاجران که اغلب غیرقانونی وارد کشور شده‌اند، بدتر است. دیگر مثل سابق آدم احساس امنیت نمی‌کند؛ نه در مترو، نه در پارک، و نه در مراکز مراکز تفریحی و نه هیچ کجا احساس امنیت نداری. همه جا پر است از مهاجران و این حضور به شکل معناداری افزایش یافته است.»

**جنگ، اجبار، مهاجرت و مهمانانی که می‌رسند**

بحث‌ها ادامه دارد درباره چرایی حضور آنها اجبار، اختیار، جنگ، فقر، نفع و زیان‌شان و گویی پایانی بر این بحث نیست. بحثی که برخی از افغانستانی‌ها آن را می‌شنوند و به آرامی از کنارش می‌گذرند. شاید در دل لعنت می‌فرستند طالبان را و عده‌ای که خوشنود از آمدن طالب هستند، ایران را فرصتی برای کار موقت می‌دانند و این اعتراض‌ها را نمی‌شنوند و می‌گذرند و یا دوست ندارند که بشنوند. قطار که به ایستگاه خواجه عبدالله می‌رسد، ساعت ۸ شب شده است. هوا تاریک است و چند کودک کار با هم دعوا می‌کنند در کنار فضای سبز کوچک نزدیک به مترو؛ صدای آزار دهنده و ناسازهایی که بیرون پرتاب می‌شوند از دهان کودکان حدود ۶، ۸ و ۱۰ساله‌ای که باید به جای آن، شعر کتاب فارسی‌شان را هم‌خوانی می‌کردند.

**لعنت و ناسزا و دوگانه نفرت و ترحم**

با ناسازی کودکان حسی دوگانه به آدم دست می‌دهد: ترحم و دلسوزی در کنار خشم. دلت می‌سوزد به سیاهی دوره کودکی یک بچه و لعنت و ناسزا می‌فرستی به سیاست‌های جنگ‌طلبانه و فاسدی که مردم خود را آواره کرده و به جای توجه به فرهنگ، چنین پوشالی کرده زندگی آنها را و عصبانی هستی از برپاین لحظه‌ای که حس امنیت، راحتی و آسایش از شهر پر کشیده و باید به جای سکون و امنیت به دسته کیفیت محکم بچسبی و حذر کنی از بردن کودک به گوشه دنجی پارکی که میادا میادا شاهد چنین دعوای باشد و چنین کلماتی را در سن پایین زمرزه کند.

می‌خواهم با قدم‌های بلند، خود را به خانه برسانم؛ صدایی پشت سرم آزار می‌دهد و خستگی تن، ریسمی برای فریاد کشیدن باقی نگذاشته است: «چه خانومی، چه هیکل… اسم تا چیست…؟» برخی از جملاتش را نمی‌شنوم یا متوجه نمی‌شوم… اصلاً هم مهم نیست که بدانم چه می‌گویند… تنها چیزی که با تمام وجود حس می‌کنم ترس، نگرانی و خشم است. نمی‌دانم باید چه واکنشی از خود نشان دهم، بی‌تفاوت باشم یا برگردم جواب بدهم؟ حرف‌های او تمامی ندارد وقتی برمی‌گردم مرد جوان مهاجر افغانی روبرویم ایستاده است. چه باید گفت؟ نمی‌دانم. شاید جواب من وضعیت را بدتر کند. گویا ادامه دادن راه برای رسیدن به خانه انتخاب عاقلانه‌ای باشد. اما تا کی؟

حالا دیگر شهر پر شده از حضور افغانستانی‌ها، آن‌ها در همه جای شهر حاضرند؛ این وضعیت امروز ایران است: جوانان ایرانی از ایران می‌روند و جوانان افغانستانی به ایران می‌آیند. راستی این چندمین موج مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران است؟

نگاه آسیب‌شناسانه به افزایش جمعیت مهاجران افغانستانی در ایران

# متلک و آزار گلامی زیر پوست شهر

عقربه ساعت هفت شب را نشان می‌دهد؛ مترو آزادی شلوغ است و گرم؛ مردادماه شب‌هایش هم دم‌کرده و در شلوغی مترو گرما چندین برابر می‌شود. مسافران، تن خسته خود را به سرعت به صندلی‌های خالی می‌رسانند و می‌خواهند برای دقایقی خستگی تن را بیسازند به صندلی‌های پلاستیکی و موبایل‌هایی که با اینترنت کم‌سرعت به سختی خواسته فرد را پاسخ می‌دهد.



دوره اول مهاجرت به ایران اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ اتفاق افتاد؛ ۱۳۶۰ تمایل به مهاجرت به ایران بیشتر در میان آن بخش از جمعیت افغانستان بیشتر بود که از سیاست‌های دولت کمونیست حاکم ناراضی بودند یا نگران سربرازگیری حکومت بودند، درنتیجه اقشار روستایی و مذهبی بیشتر تمایل داشتند برای گریز از یک نظام غیردینی به کشورهای اسلامی پناه بیاورند.

**موج دوم و سوم مهاجرت**

موج دوم در میانه دهه ۷۰ اتفاق افتاد؛ همان زمان که طالبان ظهور کرد؛ بخشی از جامعه شهری که نگران سیاست‌های افراطی این گروه بود یا درخطر پاک‌سازی قومی و مذهبی قرار داشت به ایران مهاجرت کردند و از آن‌جهت سهم این گروه در ترکیب پناهندگان بیش از سالهای قبل بود.

## خبر

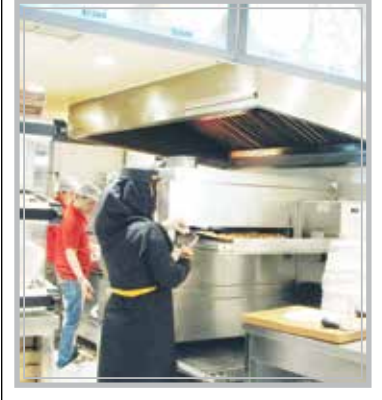
### اجبار برای پوشش متحدالشکل مقنعه و مانتو در فست فودهای مشهد

رئیس اتحادیه فروشندگان فرآورده‌های گوشتی، اغذیه، پیترز و غذاهای فانتزی مشهد گفت: «صبح امروز اتاق اصناف مشهد نامه‌ای را به ما ارسال کرد که در آن قید شده بود پوشش متحدالشکل مانتو و مقنعه برای زنان شاغل در واحدهای صنفی اجباری است.»

رئیس اتحادیه فروشندگان فرآورده‌های گوشتی، اغذیه، پیترز و غذاهای فانتزی مشهد اعلام کرد واحدهای این اتحادیه از امروز صبح باید پوشش ابلاغ شده را رعایت کنند.

حمید اموری سرابی درباره پیامک ارسال شده به واحدهای صنفی این اتحادیه مبنی بر الزامی بودن «استفاده از پوشش متحدالشکل مانتو و مقنعه برای بانوان شاغل در واحدهای صنفی» توضیح داد: «صبح امروز اتاق اصناف مشهد نامه‌ای را به ما ارسال کرد که در آن قید شده بود پوشش متحدالشکل مانتو و مقنعه برای زنان شاغل در واحدهای صنفی اجباری است.» وی افزود: «ما هم بلافاصله پس از دریافت نامه، آن را به اعضای اتحادیه اطلاع‌رسانی کردیم که واحدهای صنفی در جریان دستورالعمل‌های جدید قرار بگیرند تا در صورت مراجعه بازرسی‌ها به واحدهای صنفی، کسبه متضرر نشوند و آگاهی داشته باشند که از امروز نحوه پوشش به چه شکل است.»

اموری سرابی خاطرنشان کرد: «البته نیازی به ابلاغ کتبی هم نبود چرا که چهار اتحادیه فست‌فود، غذاهای سنتی، رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها حدود ۴۵ روز است درگیر دستور جمع کردن فضای بیرونی (میز و صندلی‌ها) واحدهای صنفی هستیم و در این جلسات که با حضور تمامی ارگان‌ها از جمله عقاف و حجاب، امر به معروف و نهی از منکر، شورای شهر، فرمانداری، استانداری و … برگزار شد، بارها روی موضوعات پوشش پرسش و مشتریان مجموعه‌ها هم صحبت شده بود. ما در این جلسات تلاش داشتیم حداقل در تابستان بتوانیم فضای بیرون واحدهای صنفی را حفظ کنیم تا از آسیب اقتصادی به واحدهای صنفی جلوگیری شود.»



افزایش چشمگیری داشته تنش‌هایی نیز میان آن‌ها و مردم محلی بر سر منابع و امکانات محدود وجود داشته است. اما به‌رحال با گذر زمان و تشدید مشکلات اقتصادی پس از جنگ و برخی تبلیغات دولتی از اوایل دهه ۱۳۷۰ که پناهندگان را مسبب شرایط اقتصادی و بیکاری فرودستان ایرانی نشان می‌داد، این تنش به‌تدریج رو به افزایش گذاشت.

اگر به مذاکرات مجلس در اوایل دهه ۱۳۷۰ مراجعه کنیم می‌بینیم نمایندگان استان‌های شرقی، یعنی استان‌هایی که آن زمان بیشترین پناهنده را در خود جای داده بودند، اولین کسانی هستند که در فضای رسمی خواهان بازگشت همه مهاجران به کشور خودشان هستند. درنتیجه رقابت بر سر فرصت‌های شغلی و منابع محدود همواره عامل تنش جامعه محلی با پناهندگان بوده است. حالا شرایط فرق کرده و نمی‌توان بدون حساب و کتاب مهاجر پذیرفت؛ همه کشورهای دنیا در حوزه مهاجر قوانین و مقرراتی دارند و باید در برنامه هفتم توسعه به مسئله مهاجر بیشتر توجه کرد.

**آماری از وجود مهاجران افغانستانی نیست**

اما آنچه مشخص است اینکه ما هنوز آمار رسمی از حضور مهاجران افغانستانی در ایران نداریم و این موضوع نگران کننده است. آذر ماه سال ۱۴۰۰ بود که رسول موسوی، مدیر آسیای غربی وزارت خارجه ایران در توئیتر خود نوشت: سرکنسولگری ایران در هرات، در یک روز برای ۱۵۰۹ تن از شهروندان افغانستان ویزی ورود به ایران صادر کرده است!

برخی رقم واقعی مهاجران را حدود چهار تا پنج میلیون نفر می‌دانند و البته این رقمی است که سفیر ایران در افغانستان بیان کرده و نیز دیگر مسئولان. رقمی که نهادهای بین‌المللی مانند سازمان جهانی مهاجرت و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان هم گفته‌اند به همین رقم نزدیک است. کمیساریا آمار ورود مهاجران افغانستانی به ایران در سال ۲۰۲۱ را فقط ۵۰۰ هزار نفر اعلام کرده و این یعنی از نظر آنان هنوز آمار بالای چهار میلیون هم نرفته است. اما روزنامه جمهوری اسلامی، فروردین سال گذشته نوشت: طبق آمارهای میدانی، جمعیت افغان‌ها در ایران به ۸ میلیون نفر رسیده و هر روز حدود ۱۰ هزار نفر به صورت غیرقانونی و قانونی وارد مرزهای ایران می‌شوند.

خیلی از مردم معتقدند اگرچه حضور مهاجران در ایران با توجه به ساخت اقتصاد کشور و ظرفیت‌های اجتماعی آزردهنده است، ولی انسانیت مرز ندارد و باید انسان را پاس داشت اما پرسشی که سیاست‌گذاران و مردان سیاست به آن باید جواب دهند این است: «چرا هنوز آمار رسمی از حضور مهاجران در ایران ندارید؟»

«کشورهایی مثل ترکیه و اروپا چه سیاست‌های در مقابل مهاجران دارند و چگونه از آنها به عنوان ظرفیت مفید استفاده می‌کنند؟» و «آیا این درست است که می‌گویند ایران می‌خواهد با پذیرش بی‌حساب و کتاب مهاجر، جمعیت جدیدی در ایران پایه‌گذاری کند که خیلی مطالبه‌گر نیستند و همراه با سیاست‌های رسمی کشور هستند؟» پرسشی که ممکن است بی‌جواب بماند و این وضعیت تنها به احساس دوگانه گفتار و نفرت در میان جامعه دامن خواهد زد در میان خیلی از مردم شهرهای ایران: مشهد، تربت جام، تربت حیدریه، تهران، اصفهان، قم، فارس، قزوین و دیگر شهرهایی که میزبان مهمان‌های ناخوانده‌ای هستند که برخی از آنها خیلی هم دل در گرو ایران ندارند و گاهی حرمت میزبان نگه نمی‌دارند تا حرمت مهمان بشکند.

**تفاوت مهم**  
**آزمونی**
**تجربیه**
**آموزشی**
**پژوهشی**
**پژوهشی**

**تفاوت مهم**  
**آزمونی**
**تجربیه**
**آموزشی**
**پژوهشی**
**پژوهشی**

نوع	هدف	محتوا	روش	ارزشیابی	زمان
1	آشنایی با مفاهیم پایه و کاربردهای عملی	مفاهیم پایه و کاربردهای عملی	تدریس مستقیم، نمایش، تمرین عملی	آزمون‌های کوتاه، پروژه عملی	کوتاه مدت
2	تعمیق دانش و مهارت‌های تخصصی	مفاهیم تخصصی و کاربردهای پیشرفته	تدریس مستقیم، نمایش، تمرین عملی	آزمون‌های کوتاه، پروژه عملی	کوتاه مدت
3	تعمیق دانش و مهارت‌های تخصصی	مفاهیم تخصصی و کاربردهای پیشرفته	تدریس مستقیم، نمایش، تمرین عملی	آزمون‌های کوتاه، پروژه عملی	کوتاه مدت

**تفاوت مهم**  
**آزمونی**
**تجربیه**
**آموزشی**
**پژوهشی**
**پژوهشی**

**تفاوت مهم**  
**آزمونی**
**تجربیه**
**آموزشی**
**پژوهشی**
**پژوهشی**

نوع	هدف	محتوا	روش	ارزشیابی	زمان
1	آشنایی با مفاهیم پایه و کاربردهای عملی	مفاهیم پایه و کاربردهای عملی	تدریس مستقیم، نمایش، تمرین عملی	آزمون‌های کوتاه، پروژه عملی	کوتاه مدت
2	تعمیق دانش و مهارت‌های تخصصی	مفاهیم تخصصی و کاربردهای پیشرفته	تدریس مستقیم، نمایش، تمرین عملی	آزمون‌های کوتاه، پروژه عملی	کوتاه مدت
3	تعمیق دانش و مهارت‌های تخصصی	مفاهیم تخصصی و کاربردهای پیشرفته	تدریس مستقیم، نمایش، تمرین عملی	آزمون‌های کوتاه، پروژه عملی	کوتاه مدت

ایرین سحر رشادتی

**تفاوت مهم**  
**آزمونی**
**تجربیه**
**آموزشی**
**پژوهشی**
**پژوهشی**

**تفاوت مهم**  
**آزمونی**
**تجربیه**
**آموزشی**
**پژوهشی**
**پژوهشی**

**تفاوت مهم**  
**آزمونی**
**تجربیه**
**آموزشی**
**پژوهشی**
**پژوهشی**

نوع	هدف	محتوا	روش	ارزشیابی	زمان
1	آشنایی با مفاهیم پایه و کاربردهای عملی	مفاهیم پایه و کاربردهای عملی	تدریس مستقیم، نمایش، تمرین عملی	آزمون‌های کوتاه، پروژه عملی	کوتاه مدت
2	تعمیق دانش و مهارت‌های تخصصی	مفاهیم تخصصی و کاربردهای پیشرفته	تدریس مستقیم، نمایش، تمرین عملی	آزمون‌های کوتاه، پروژه عملی	کوتاه مدت
3	تعمیق دانش و مهارت‌های تخصصی	مفاهیم تخصصی و کاربردهای پیشرفته	تدریس مستقیم، نمایش، تمرین عملی	آزمون‌های کوتاه، پروژه عملی	کوتاه مدت

**تفاوت مهم**  
**آزمونی**
**تجربیه**
**آموزشی**
**پژوهشی**
**پژوهشی**

**تفاوت مهم**  
**آزمونی**
**تجربیه**
**آموزشی**
**پژوهشی**
**پژوهشی**

ایرین سحر رشادتی